مجموعه آثار غلامحسین بیگجه‌خانی

قطعات موسیقی کلاسیک ایرانی

نت‌نگاری و تجزیه و تحلیل
محمد عبدلی

مؤسسه‌ی فرهنگی ـ هنری ماهور
تهران ۱۳۹۶

فهـرســت

مقدمه ۹

دستگاه شور

پیش‌درآمد شور ۴۶
چهارمضراب شور (۱) ۴۸
چهارمضراب شور (۲) ۴۹
چهارمضراب شور (۳) ۵۰
رنگ شور ۵۱

آواز ابوعطا

پیش‌درآمد ابوعطا ۵۴
ضربی ابوعطا ۵۵

آواز دشتی

پیش‌درآمد دشتی ۵۷
ضربی دشتی ۶۰
رنگ دشتی (۱) ۶۲
رنگ دشتی (۲) ۶۴
رنگ دشتی (۳) ۶۶

آواز افشاری

پیش‌درآمد افشاری ۶۹
رنگ افشاری (۱) ۷۲
ضربی افشاری (عراق) (۱) ۷۴
ضربی افشاری (عراق) (۲) ۷۶
رنگ افشاری (۲) ۷۸
رنگ افشاری (۳) ۸۰

آواز بیات ترک

پیش‌درآمد بیات ترک ۸۲
چهارمضراب بیات ترک (۱) ۸۶
ضربی بیات ترک (۱) ۸۸
چهارمضراب بیات ترک (۲) ۹۰
ضربی بیات ترک (۲) ۹۴
چهارمضراب بیات ترک (۳) ۹۵
چهارمضراب بیات ترک (۴) ۹۶
چهارمضراب بیات ترک (۵) ۱۰۰
چهارمضراب بیات ترک (۶) ۱۰۳
چهارمضراب بیات ترک (شکسته) (۷) ۱۰۵
رنگ بیات ترک ۱۰۷
چهارمضراب بیات ترک (۸) ۱۱۰

چهارمضراب بیات ترک (۹) ۱۱۲
چهارمضراب بیات ترک (شکسته) (۱۰) ۱۱۳
ضربی بیات ترک (شکسته) (۳) ۱۱۴

دستگاه ماهور

پیش‌درآمد ماهور (۱) ۱۱۷
پیش‌درآمد ماهور (۲) ۱۱۹
چهارمضراب ماهور (۱) ۱۲۲
چهارمضراب ماهور (دلکش) (۲) ۱۲۶
چهارمضراب ماهور (۳) ۱۲۸
رنگ ماهور ۱۳۱

دستگاه چهارگاه

چهارمضراب چهارگاه (۱) ۱۳۳
ضربی چهارگاه (۱) ۱۳۷
چهارمضراب چهارگاه (۲) ۱۴۰
چهارمضراب چهارگاه (حصار) (۳) ۱۴۲
ضربی چهارگاه (مخالف) (۲) ۱۴۳
ضربی چهارگاه (مخالف) (۳) ۱۴۵
رنگ چهارگاه ۱۴۶

دستگاه سه‌گاه

پیش‌درآمد سه‌گاه (۱) ۱۴۷
پیش‌درآمد سه‌گاه (۲) ۱۴۹
چهارمضراب سه‌گاه (۱) ۱۵۲
چهارمضراب سه‌گاه (۲) ۱۵۶
ضربی سه‌گاه (۱) ۱۵۹
چهارمضراب سه‌گاه (زابل) (۳) ۱۶۰
ضربی سه‌گاه (زابل) (۲) ۱۶۲
چهارمضراب سه‌گاه (زابل) (۴) ۱۶۳
چهارمضراب سه‌گاه (مخالف) (۵) ۱۶۶
ضربی سه‌گاه (مخالف) (۳) ۱۶۸
چهارمضراب سه‌گاه (مخالف) (۶) ۱۶۹
ضربی سه‌گاه (۴) ۱۷۱
رنگ سه‌گاه (۱) ۱۷۶
رنگ سه‌گاه (۲) ۱۷۸
رنگ سه‌گاه (۳) ۱۸۰
رنگ سه‌گاه (۴) ۱۸۲
ضربی سه‌گاه (۵) ۱۸۴
ضربی سه‌گاه (۶) ۱۸۵
ضربی سه‌گاه (مخالف) (۷) ۱۸۶
ضربی سه‌گاه (۸) ۱۸۸

دستگاه همایون

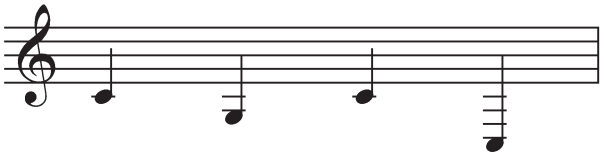
پیش‌درآمد همایون ۱۹۱
ضربی همایون (۱) ۱۹۳
چهارمضراب همایون (بیات راجع) ۱۹۵
ضربی همایون (عشاق) (۲) ۱۹۷
رنگ همایون ۱۹۹

آواز بیات اصفهان

پیش‌درآمد بیات اصفهان ۲۰۱
چهارمضراب بیات اصفهان (۱) ۲۰۴
چهارمضراب بیات اصفهان (۲) ۲۰۵
چهارمضراب بیات اصفهان (۳) ۲۰۷
چهارمضراب بیات اصفهان (۴) ۲۰۹
چهارمضراب بیات اصفهان (بیات راجع) (۵) ۲۱۱
ضربی بیات اصفهان (عشاق) (۱) ۲۱۳
چهارمضراب بیات اصفهان (عشاق) (۶) ۲۱۵
رنگ بیات اصفهان ۲۱۷
ضربی بیات اصفهان (۲) ۲۱۹
ضربی بیات اصفهان (۳) ۲۲۱
ضربی بیات اصفهان (عشاق) (۴) ۲۲۳
چهارمضراب بیات اصفهان (۷) ۲۲۴

کوک تار برای اجرای قطعات
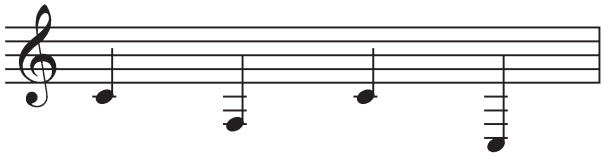
قطعات ۱ ـ ۵، ۱۷ و ۱۸، ۳۰ ـ ۳۳، ۳۵ ـ ۴۶، ۸۱ ـ ۸۴



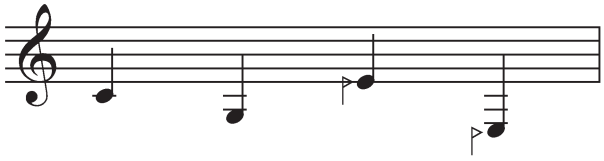
قطعات ۶ ـ ۱۶، ۶۷ ـ ۸۰



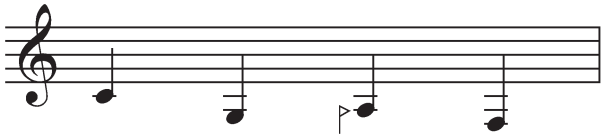
قطعات ۱۹ ـ ۲۹، ۳۴



قطعات ۴۷ ـ ۶۲



قطعات ۶۳ ـ ۶۶



انتقال یک اثر صوتی به خط نت همواره با اختلاف نظر و کاستی‌های فراوانی همراه بوده است. این مجموعه نیز شاید از این نظر مبرّا نباشد. کار بازخوانی این اثر با کمک خانم انسیه تبریزی به ثمر رسیده است.

از دوستان عزیز آقای قادر رودکیان که برخی از منابع و اجراهای استاد را در اختیارم قرار دادند و آقای علی ارجمند که با مسئولیت‌پذیری فراوان راهنمای اینجانب بودند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم.

همچنین از آقای محمد موسوی مدیر محترم مؤسسه‌ی فرهنگی ـ هنری ماهور که پرچم‌داری توانا در انتقال فرهنگ امروز به فردا هستند نیز صمیمانه سپاسگزارم.

محمد عبدلی
پاییز ۱۳۹۵

مقدمه

سخنی کوتاه در مورد زندگی هنری استاد غلامحسین بیگجه‌خانی

در شهر تبریز محله‌ای قدیمی به نام سنجران[1] وجود داشت و در این محله کوچه‌ای به نام قَرَه‌چی‌لَر، و در این کوچه کوی باریکی به نام تارزن‌لَر بود که خاندان بیگجه‌خانی در آن می‌زیستند. به رسم ایام قدیم، مردم تبریز برای شنیدن موسیقی، نوازندگان را به میهمانی‌ها و مجالس خویش دعوت می‌کردند. خاندان بیگجه‌خانی نیز که سازهای مختلفی همچون تار و کمانچه می‌نواختند به مجالس دعوت می‌شدند، با این تفاوت که دعوت‌کنندگان ایشان ولیعهدهای تبریزنشین قاجاری بودند و گاه تعلیم و آموزش موسیقی به ولیعهدها و شاهزادگان نیز به این خاندان سپرده می‌شد.

حسینقلی‌خان بیگجه‌خانی (پدر غلامحسین) از نوازندگان خوش‌نام عصر خویش بود و تار را با ظرافت و چیره‌دستی می‌نواخت، به‌طوری‌که آوازه‌اش به نقاط مختلف رسید و مورد توجه اهل هنر قرار گرفت. او شاگردانی خلف به نام‌های جوادآقا اردوبادی و رضاقلی‌زابلی‌آذر پرورده که ظاهراً دومی در نواختن زابل طبعی روان و ذوقی سرشار داشت.

غلامحسین بیگجه‌خانی در سال ۱۲۹۷ شمسی در چنین خانواده‌ای چشم به جهان گشود و آموزش تار را به حکم پدر از شش‌سالگی نزد او فرا گرفت. ذوق سرشار و مهارت در نواختن ساز سبب شد پدر در نُه سالگی فرزند کوچکش را به مجالس ببرد و نواختن پاره‌ای از قطعات را به او بسپارد. در سال ۱۳۱۰ شمسی حسینقلی‌خان چشم از جهان فرو بست و غلامحسین زمان کوتاهی نزد رضاقلی زابلی آذر ـ شاگرد پدرش ـ به فراگیری تار پرداخت. از استاد بیگجه‌خانی نقل است که وقتی کوچک بود فقط در قهوه‌خانه‌ها امکان شنیدن موسیقی از طریق صفحات وجود داشت و به دلیل سن کم، او را به قهوه‌خانه راه نمی‌دادند. به همین دلیل در کنار درِ قهوه‌خانه صفحاتی از قمر، ظلی، طاهرزاده و غیره را می‌شنید، سپس با سرعت به منزل بازمی‌گشت و روی ساز خویش آن‌ها را اجرا می‌کرد[2]. او در حدود هفده تا بیست سالگی با خوانندگانی مانند مهدی صوتی و میرعلی‌اصغر صادق‌الوعد همکاری داشت و پس از بازگشت ابوالحسن اقبال آذر (اقبال‌السلطان) از تهران به تبریز و جست‌وجویش برای پیداکردن نوازنده‌ای ماهر، غلامحسین بیگجه‌خانیِ بیست‌ساله به عنوان نوازنده‌ی تار با او همکاری کرد. بنا به گفته‌ی بیگجه‌خانی این همکاری سی سال ادامه داشته و این مدت به‌نوعی برایش ادامه‌ی تعلیمات نیز بوده است، به‌طوری‌که تأکید می‌کند: تمام ردیف موسیقی اصیل که اینجانب کمابیش شنیده و می‌دانم، یادگاری از اقبال‌السلطان است.

محمود فرنام، نوازنده‌ی چیره‌دست دایره (قاوال) نیز که بیش از یک قرن زیسته بود و با تار پدر غلامحسین بیگجه‌خانی ضرب گرفته و با سه‌تار منتظم‌الحکمای شیرازی و آواز عارف قزوینی دایره زده بود، حدود پنجاه سال با بیگجه‌خانی همکاری داشت.

پس از تأسیس رادیو تبریز (۱۳۲۵) بیگجه‌خانی دعوت به همکاری با ارکسترهای موسیقی ایرانی آن رادیو شد و چندسالی سرپرست ارکستر بود و پس از آن برنامه‌ی «شکوفه‌ها» و برنامه‌های محلی را سرپرستی کرد و مدت سه سال در اداره‌ی فرهنگ و هنر به فعالیت پرداخت. او به دعوت مسئولین وقت، مدت کوتاهی به تهران

---

۱. نام جدید محله‌ی سنجران و کوچه‌ی قَره‌چی‌لَر، خیابان فلسطین (ملل‌المتحد پیشین) و کوچه‌ی یزدانی‌نیا است.

۲. این تقلید بخش مهمی از روند آموزشی او بود.

آمد و در مرکز حفظ و اشاعه‌ی موسیقی و رادیو تهران مشغول به کار شد اما ظاهراً توان دوری از شهر خویش را نداشت و پس از مدت کوتاهی به جمع هنرمندان رادیو تبریز پیوست.

حضور در جشن هنر شیراز (۱۳۵۵) سبب شد آوازه‌ی بیگجه‌خانی در مدت کوتاهی به تهران و دیگر شهرها برسد. از آن پس او با دیگر اساتید نیز برنامه‌هایی اجرا کرد که از آن‌جمله‌اند کنسرت سه‌گاه با محمدرضا شجریان و علی‌اصغر بهاری و نوار کاست همایون و بیداد با محمدرضا شجریان.

به دلیل آشنایی بیگجه‌خانی با موسیقی جمهوری آذربایجان و نواختن تار آذربایجانی و همچنین همکاری با ارکسترهای آذری، بخشی از ساخته‌ها و نیز لهجه‌ی استاد، او را از نوازندگان فارسی‌زبان متمایز می‌کند. به‌خصوص این تفاوت را می‌توان به‌خوبی در تصانیف و رنگ‌های به‌جای‌مانده از او شنید. به‌جز این قطعات، دیگر آثار به‌جامانده از وی، جملگی در ساختار موسیقی دستگاهی و رسمی ایران قرار دارند.

میزان تأثیرپذیری بیگجه‌خانی از ردیف دوره‌ی عالی علی‌اکبر شهنازی به قوت به گوش می‌رسد و شاید بتوان گفت بیگجه‌خانی بخشی از ساختار فکری خود را براساس پیروی از شهنازی بنا نهاده است. البته باید یادآور شد که تفاوت تمبر صوتی و بیان موسیقایی از خصایص شخصی اوست.

غلامحسین بیگجه‌خانی نیز همانند دیگر نوازندگان کارگان (رپرتواری) مشخصی دارد مشتمل بر مجموعه‌ای از قطعات ضربی و جملات آوازی که به مناسبت و تشخیص فضا از آنها استفاده کرده است و به همین‌دلیل جملات تکراری در فضاهای مختلف نواخته‌های او به گوش می‌رسد.

در سحرگاه ۲۴ فروردین ۱۳۶۶ استاد غلامحسین بیگجه‌خانی براثر ناراحتی قلبی ـ ریوی چشم از جهان فروبست و در گورستان وادی‌الرحمت تبریز (بلوک ۱۰، ردیف ۱۴۵، شماره‌ی ۳۱) به خاک سپرده شد. به نقل از اصغر فردی: «پیرمرد عجیب مرده بود. هنوز تار می‌نواخت: دست راستش (مضراب‌گیر) به جانب سینه برگشته و دست چپش گویی دستک تار برگرفته.[۳]»

۳. مقاله‌ی «تو ساز منی، من ساختمت، چونت نزنم»، فصلنامه‌ی موسیقی ماهور، شماره‌ی ۱۱، بهار ۱۳۸۰.